

و هر آنچه خارج از متن (Ex-Libris) است بحث می‌کند. در اینجا ما تنها به دو عنصر از عناصر تشکیل دهنده این دانش، که بیشترین ارتباط را با تحقیق علمی دارند، می‌پردازیم: یکی، چگونگی جستجو و کشف نسخه‌های خطی، و دیگر نقش و اثر کتابت و کاتبان بر نسخه‌های عربی در طی تاریخ ممتد آن.

### ۱- جستجو و کشف نسخه‌ها

برای نسخه‌شناسی که به نسخه به مثابه یک شیء مادی می‌نگرد و همچنین برای پژوهشگر زبان‌شناس که می‌کوشد متن خطی را نقد و منتشر کند، جستجوی نسخه‌ها و فهرستها و تاریخ آنها و مکانهایی که احتمال دستیابی به آنها موجود است، نخستین مرحله کار به شمار می‌رود.

هدف نهایی جستجوی نسخه‌ها، گردآوری بیشترین تعداد نسخه‌های مختلف یک متن است تا پژوهشگر زبان‌شناس بتواند تاریخ کتابت این نسخه را - که تنها راه علمی دستیابی به نسخه خود مؤلف یا نسخه‌ای نزدیک به آن است - تعیین کند.

محققان معاصر که در زمینه احیای نسخه‌های خطی عربی کار می‌کنند، غالباً به یک نسخه - در صورتی که نسخه‌های دیگری شناخته نشده باشد - یا چند نسخه از یک متن اکتفا می‌کنند و آنگاه کهنترین یا صحیحترین آنها را مورد اعتماد قرار می‌دهند و تفاوت‌های موجود در نسخه‌ها را در حاشیه ذکر می‌کنند و سپس به تخریب اشعار یا تکمیل آنها و شرح الفاظ غریب و زندگی‌آعلام مندرج در متن می‌پردازند؛ کاری که در میان گذشتگان نیز سابقه داشته است مانند آنچه که ابو عبید بکری در کتاب «اللائی فی شرح امالی القالی» انجام داده است و یا آنچه که در کتاب «خزانة الادب» از عبدالقادر بغدادی می‌بینیم.

امروزه پژوهشگران زبان‌شناس اعتماد به یک نسخه را برای تحقیق رد می‌کنند. شایسته‌تر آن است که نام چنین کاری «تصحیح» نهاده شود، زیرا نسخه متحصر به فرد، تاب بررسی در چارچوب روش‌های جدید در نقد متون را

## نسخه‌شناسی

و

## تحقیق علمی

احمد شوقی بن‌بین

ترجمه سید حسن اسلامی

در میان دست‌اندرکاران تحقیق علمی میراث عربی چنین متداول است که در تحقیق، به یک یا چند نسخه از یک متن خطی به عنوان نسخه‌هایی نهایی که تنها نیاز به پاره‌ای تصحیحات و تخریجات دارند تا نسخه اصلی کاملاً بازسازی شود، اعتماد می‌کنند و تحقیق را پیش می‌برند؛ حال آن‌که شیوه‌های رایج در تحقیق و تصحیح متون، شایستگی و توان آن را ندارند که ما را به نتایج مطلوب برسانند. اساساً علت این ناتوانی به این نکته باز می‌گردد که نسخه‌های منتخب و مورد اعتماد با معیارهای دقیق دانش فقه‌اللغه و قواعد نسخه‌شناسی جدید، ارزیابی نمی‌شوند. هدف این مقاله بررسی مختصر نقش نسخه‌شناسی در تحقیق متون است.

نسخه‌شناسی جدید (Codicology) درباره تاریخ کتابخانه‌ها، منابع نسخه‌های خطی، فهرست‌نویسی، عبارتهای وقف روی نسخه‌های خطی، نشانه‌های تملک، کتابت و کاتبان و جنبه‌های فیزیکی و مادی نسخه‌های خطی

اسیر زندانهای کتابخانه‌های عمومی و شخصی است، بیش از شناخته‌ها و فهرست شده‌هاست. بهترین دلیل این ادعا، انتشار تقریباً روزانه فهرست نسخه‌هایی است که بتازگی شناخته شده‌اند.

با توجه به این اکتشافات، گزاف نیست اگر بگوییم بودن تنها چند نسخه خطی از یک متن علی‌رغم گردش و استنساخ آن در طول تاریخ در مدارس، دانشگاهها، مساجد و زاویه‌ها، که در سراسر سرزمین پهناور اسلامی بیش از صدها بل هزاران بوده است، معقول و مقبول نیست.

کوتاهی در جستجوی نسخه‌های خطی، به نقص در شیوه تحقیق کتابهای تراثی منجر شده است. دست نیافتن به نسخه‌های متعدد از یک متن در فهرستهای مخازن کتابخانه‌ها با این پندار که کتابخانه‌های اسلامی دستخوش انواع ویرانی، سرقت و سهل‌انگاری در طول تاریخ بوده است، ضرورتاً به معنای فقدان چنین نسخه‌هایی برای همیشه نیست؛ کتابخانه‌های اروپا بیشتر از کتابخانه‌های عربی - اسلامی در معرض سرقت، چپاول و آتش‌سوزی بوده‌اند، با این حال مخازن غرب اینک دارای میلیونها نسخه خطی‌اند و گاه صدها نسخه از یک متن را دارند.

درست نیست که تصور کنیم تنها عامل نابودی بسیاری از نسخه‌های خطی و ناپدید شدن آنها، غارت و یا آتش گرفتن میراث عربی در طول تاریخ بوده است، بلکه اختلافات عقیدتی به اضافه سهل‌انگاری، از عوامل ناپدید شدن و پنهان کردن کتابها برای مدت زمانی طولانی بوده‌اند و با از میان رفتن آن عوامل، این کتابها، مجدداً از پناهگاهها خارج شده و در معرض دید قرار گرفته‌اند. یکی

ندارد و تا جایی که می‌دانم بیشتر نسخه‌های منحصر به فردی که در میراث عربی ما تحقیق شده‌اند، یا ناقص از کار درآمده‌اند و یا سرشار از خطاهایی در زمینه الفاظ، ترکیبات و اعلامند. به همین سبب، باب نقد حدسی (قیاسی) و تخمین در اصلاح و تصحیح متون، گشوده شده است.<sup>۱</sup>

در صورت وجود چندین نسخه از یک متن، مفهوم «نسخه مورد اعتماد» یا «کهنترین نسخه» از نظر دانشمندان فقه اللغه، نادرست است. نسخه مادر یا اساسی، آن است که پس از بررسی نسخه‌های متعدد، از نظر تاریخ کتابت متن و اعمال روشهایی که برای بازسازی نسخه اصلی صورت می‌گیرد، به عنوان نسخه‌ای که متضمن قدیمترین شکل و ساخت نسخه خطی است، شناخته می‌شود. لیکن مفهوم «کهنترین متن» یا «کهنترین نسخه»، که زیانزد بسیاری از داعیان تحقیق است، از نظر فقه اللغه اعتباری ندارد؛ چه بسیار نسخه‌های جدیدی که استوارتر و کم‌خطاتر از نسخه کهن است. یا به دلیل آنکه زاده خاندان اصلی از نسخه‌هاست و یا آنکه از کهنترین و نزدیکترین نسخه به نسخه اصلی استنساخ شده است.

اگر مجاز باشیم از «کهنترین متن» سخن بگوییم، به این معناست که این نسخه، از جمله نسخه‌هایی است که در کار تحقیق ما را کمک می‌کند یا به نسخه مادر - که نسخه مولف نیست اما از میان تمامی نسخه‌های موجود بهترین به شمار می‌رود - نزدیکتر است. بنابراین اعتماد به یک یا چند نسخه، از نظر علمی و عملی مقبول نیست. حال از هر راه و شیوه‌ای استفاده شود. شایسته نیست به بهانه کمبود یا نبود نسخه‌های مختلف از یک متن، تحقیق علمی را با شیوه‌ای که گفتیم دنبال کنیم؛ بلکه لازم است به جستجوی بهترین نسخه‌های خطی و گردآوری و فهرست کردن آنها پرداخت، تا استفاده از آنها صورت گیرد نه اینکه بنا را بر نسخه منحصر به فرد و نابودی دیگر نسخه‌های آن متن گذاشت.

متخصصان، نسخه‌های خطی عربی را که تاکنون گردآوری و فهرست شده است، سه میلیون نسخه برآورد می‌کنند و آنچه هنوز شناخته و فهرست نشده و همچنان

۱. تنها یک نسخه از «طوق الحمامة» ابن حزم در مخزن کتابخانه دانشگاه لیدن در هلند موجود است که آن هم ناقص است؛ زیرا ارجاعاتی که ابن حزم در نوشته‌های دیگر خود به این کتاب می‌کند، در این نسخه موجود نیست. همچنین ارجاعاتی که علمای پس از ابن حزم به این کتاب کرده‌اند در این نسخه منحصر به فرد موجود نیست.

همین مطلب درباره نسخه منحصر به فرد کتاب «الانتصار» ابوالحسین بن خیاط که در «دار الکتب» قاهره نگهداری می‌شود - صادق است. این نسخه مملو از خطاست و برای تحقیق نمی‌توان بدان اعتماد کرد.

استساخ آنها پرداختند. این نسخه‌ها در کتابخانه‌های صنعا - بویژه در کتابخانه «الجامع الکبیر» - قرن‌ها به دور از چشم جهانیان نگهداری می‌شوند، تا آنجا که حتی کتاب «تاریخ ادبیات عرب» بروکلان نیز از کمترین اشاره به این نسخه‌ها تهی است.

این وضع تا نیمه اول این قرن ادامه یافت. در این زمان هیأتی از دانشگاه قاهره بدانجا سفر کردند و از این نسخه‌ها با خبر شد و از بسیاری از آنها عکس برداری کردند. از این زمان امکان دستیابی به کتابهای معتزله که به دست خودشان - نه دشمنان آنها - نوشته شده بود فراهم گشت و محققان توانستند آراء معتزله را از منابع معتزلی - نه منابع دشمنان آنها - بشناسند.<sup>۳</sup>

این مثالها کافی است تا دست اندرکاران تحقیق را متوجه این نکته سازد که بسیاری از نسخه‌هایی را که مفقود می‌پندارند در مخزنهای گوناگون نگهداری می‌شوند. کوتاهی در جستجوی نسخه‌های خطی باعث شد بسیاری از کتابهای ترائی، که تحقیق شده تصور می‌شد، پس از پیداشدن دیگر نسخه‌های آنها، بی‌ارزش شوند و حتی این گونه تحقیق‌ها از نظر زبان‌شناس، اتلاف وقت و مال به حساب آید و پژوهشگر محقق ناچار به تجدید نظر در تحقیق خود شود و خواننده محقق ناگزیر گردد در احکام صادره خود و نتایجی که به استناد نسخه تحقیق شده گرفته بود، بازنگری کند.

در این باب به دو نمونه که مربوط به دو دانشمند؛ یعنی مرحوم عبدالسلام هارون و صلاح‌الدین منجد، است اکتفا می‌کنم. این دو از محققان بزرگ و از معدود مؤلفانی‌اند که به وضع قواعد تحقیق متون پرداخته‌اند.

هارون، «الکتاب» سیویه را با تکیه بر چهار نسخه - که همه آنها در «دارالکتب» قاهره نگهداری می‌شوند - تحقیق کرد. هارون خود، این نسخه‌ها را یا مجهول‌الناسخ، یا

از نمونه‌های این پدیده در میراث عربی، ماجرای است که «یاقوت حموی» در کتاب «معجم الادباء»<sup>۱</sup> از «ابو حیان توحیدی» و او نیز از «ابوبکر اخشیدی» نقل می‌کند که: ابوبکر خواستار آن شد تا کتاب گمشده جاحظ به نام «الفرق بین النبی والمنتبی» را بیابد. لذا جارچی اجیر کرد تا در «عرفات» جار بزند و از مطلعان، درباره جای این کتاب خبر بگیرد. لیکن علی‌رغم جمعیت عظیم در عرفات، موفق به یافتن آن نشد. سپس خود توحیدی می‌گوید: «بی‌شک در هر مخزنی، از این کتاب، نسخه‌ای هست و من خود بیش از صد نسخه از آن را دیده‌ام».

همچنین منقول است که «ابن خلکان» از دست نیافتن به کتابهای «ابو العلاء معری» گله‌مند بود، در صورتی که یکی از متأخران گواهی می‌دهد که از جای بیشتر کتابهای معری با خبر است. و باز «بیرونی» بیش از چهل سال در جستجوی کتاب مانی «سفر الاسرار» عمر صرف کرد، تا بالاخره به آن دست یافت.<sup>۲</sup>

ابن رشد در کتاب «کشف مناهج الادله» می‌گوید: می‌خواستم برای حل پاره‌ای مشکلات فلسفی که با آنها دست به گریبان بودم برخی از کتابهای معتزله را به دست آورم، لیکن موفق نشدم. «حال آیا کتابهای معتزله در زمان ابن رشد (۵۹۵ق) ناپدید شده بودند؟ و آیا معقول است که کسی مانند ابن رشد از دستیابی به میراث معتزله که از مهمترین بخشهای تحول فکری و مدنی ما به شمار می‌رود، ناتوان باشد. جز آنکه فرض کنیم دستهایی این کتابها را به مدت هشت قرن پنهان کرده بودند؟ در حقیقت این خود معتزله بودند که میراث فکری خویش را نهان ساختند، زیرا فرقه زیدیه (پیروان زید به علی بن الحسین) که اعتقادات اعتزالی داشتند، در یمن دولتی برپا کردند. هنگامی که در دوران عباسیان عرصه بر معتزله تنگ شد و دشمنانشان از همه سو به آنان یورش آوردند تا اندیشه و فکرشان را از بیخ و بن بکنند یکی از امامان زیدی یمن، گروهی را فرستاد و آنان باقیمانده آثار معتزله را از مراکز زندگی آنان گرد آوردند و این گنجینه را با خود به «صنعا» بردند و در آنجا به

۱. ارشاد الاریب، ج ۶، ص ۷۲۱. همچنین نک: فرانس روزنتال، روشهای عالمان مسلمان در تحقیق علمی، ص ۵۳.  
 ۲. منبع پیشین، ص ۵۱ به نقل از رساله بیرونی در فهرست کتب رازی، ص ۳.  
 ۳. التراث فی ضوء العقل، محمد عماره، ص ۱۷۳.

بی تاریخ کتابت و یا جدید النسخ و یا اوراقی پراکنده می‌داند که استفاده از آنها سخت دشوار است و تنها به کار سرگرمی آیند. اگر این پیر محققان، در پی دیگر نسخه‌های این کتاب به کاوش می‌پرداخت، سه نسخه از آن را در کتابخانه‌های ترکیه و نسخه چهارم را در مخزن کتابخانه دانشگاه «پربنستون» در ایالات متحده می‌یافت که هر چهار نسخه از نسخه‌های مورد اعتماد او در تحقیق، کهنتر و موثق‌تر بودند. خانم امبرژنویو (Imbert Genevieve) پژوهشگر مرکز تحقیقات ملی فرانسه، هفتاد و هفت نسخه از کتاب سیبویه را دارد که رقمی کافی برای تحقیق آن بر طبق شیوه‌های جدید نقد و تصحیح متون است.<sup>۱</sup> این پژوهشگر می‌تواند تاریخ متن کتاب را مشخص سازد که بی‌گمان متن نوشته سیبویه را به گونه‌ای ارائه خواهد کرد که مخالف تمامی نسخه‌های خطی و چاپی از جمله چاپهای در نیورگ فرانسوی و هارون مصری خواهد بود و پژوهشگران نحو عربی پس از انتشار آن ناچار به تجدیدنظر خود درباره بسیاری از آرای نحوی سیبویه خواهند گشت.

استادصلاح الدین منجد نیز کتاب «اللغات فی القرآن» منسوب به ابوعبید قاسم بن السلام (۲۲۳ق) را با تکیه بر یک نسخه که در کتابخانه ظاهریه دمشق نگهداری می‌شود، تحقیق کرد؛ غافل از آنکه این کتاب دوبار چاپ شده است: یک بار در حاشیه «تفسیر جلالین» و دیگری در حاشیه «التیسیر فی علم التفسیر». همچنین دو نسخه خطی دیگر این کتاب در کتابخانه چستر بیٹی (Chester Beatty) در ایرلند و کتابخانه اسعد در استانبول نگهداری می‌شوند.<sup>۲</sup> اگر ما فهرست نسخه‌های خطی عربی را که اخیراً در دنیا منتشر شده است مرور کنیم، قطعاً آنقدر نسخه‌های مختلفی از دو کتاب مذکور خواهیم یافت که برای انجام تحقیق و تعیین تاریخ متن بسنده خواهند بود.

از کوششهای کم‌نظیری که به دست محققان جدید در زمینه تعیین تاریخ متن نسخه‌های خطی در میراث عربی صورت گرفته است، می‌توان از کارهای «محمد بن تاویت طنجی» در تحقیق «رحله ابن خلدون، شرقاً و غرباً» و

محسن مهدی در تحقیق کتاب «الف لیلة و لیلة» نام برد. این دو، تلاش بسیاری در گردآوری بیشترین نسخه‌های خطی این دو کتاب به کار بردند و موفق به تعیین تاریخ متن به سبک جدید شدند و اگر به گفته علمای فقه اللغه دستیابی به نسخه‌ای که شبیه نسخه اصلی باشد، نادرست است، این تاویت به نسخه مادر<sup>۳</sup> که نسخه‌های موجود دیگر از آن استنساخ شده‌اند، دست یافته است.

محسن مهدی نیز به نمونه‌ای از «الف لیلة و لیلة» دست یافته است که با تمامی نسخه‌های خطی و چاپی از جمله چاپ بولاغ، کاملاً اختلاف دارد.<sup>۴</sup> جستجو و گردآوری نسخه‌های خطی اولین مرحله و

۱. فؤاد سیزگین، شصت و شش نسخه از این کتاب را یافته است (نک: تاریخ التراث العربی). خانم پژوهشگر ژنویو نیز یازده نسخه از آن را یافت و اخیراً نیز در یکی از زاویه‌های مغرب به نسخه دیگری از کتاب سیبویه دست یافت و بدین ترتیب تعداد نسخه‌ها به هفتاد و هشت نسخه رسید. ۲. کوتاهی در به دست آوردن نسخه‌های متعدد از یک متن، میان دست‌اندرکاران تحقیق، فراوان به چشم می‌خورد. غیر از دو مثال ذکر شده، می‌توان به کتاب «المزهر فی اللغه» سیوطی اشاره کرد. این کتاب پس از چاپهای سه‌گانه آن از جمله چاپ بولاغ، به وسیله گروهی از علما تحقیق شد و آنان به نسخه‌های چاپی توجه کردند و از نسخه‌های خطی دیگری که «بروکلمان» در تاریخ ادبیات خود به بسیاری از آنها اشاره کرده است مانند نسخه‌های برلین، لندن، پاریس، موصل، منچستر، اسکوریال، استانبول و دمشق غفلت کردند. لذا همچنان این کتاب نیازمند یک تحقیق علمی جدید است.

۳. نسخه مادر، قدیمی‌ترین گواه شکل متن مؤلف است و اگر به نسخه‌های متعددی در این حد برسیم، گویای آن است که نسخه‌های مادر مختلفی در اختیار داریم. دانشمند فقه اللغه که خواستار نشر متن است، باید برای آن نسخه مادری (Arch - type) تعیین کند.

۴. کار محسن مهدی ما را به یاد شیوه فیلسوف و دانشمند فقه اللغه آلمانی، «کارل لاخمان» (۱۸۵۱) می‌اندازد، که از واضعان قواعد تاریخ متون بود و شیوه خود را در تحقیق کتاب درباره طبیعت (De Rerum Nature) سروده شاعر لاتینی لوکرس (Lucrece) به کار بست و نسخه کاملاً متفاوت با نسخه‌های خطی و چاپی این کتاب را منتشر کرد.

اما تا آنجا که به متقدمان مسلمان برمی‌گردد، می‌توان تلاش «یونینی» در تحقیق روایات بخاری را نمونه‌ای از تاریخ متن تلقی کرد. هرچند که او از شیوه‌هایی که مورخان جدید متون ابداع کردند، چندان باخبر نبود. گفتنی است که مکتب فقه اللغه جدید آلمانی که به روایات مختلف از خبر واحد در کتابهای میراث عربی توجه می‌کند، این تلاش «یونینی» را غایت مطلوب خود قرار داده است.

تقسیم کرده است:

۱. خواندن متن
۲. حفظ متن
۳. املائی داخلی
۴. کتابت کردن.<sup>۳</sup>

این گونه تشریح عمل کاتب، خطاهای کتابتی را که عمده‌اش در مرحله سوم یعنی املائی داخلی (واگویی درونی) رخ می‌دهد تحلیل و تفسیر می‌کند. بعلاوه چشم پزشکی جدید، ثابت کرده است که خواننده تنها بخشی از کلمه را می‌خواند و بقیه را با حدس و گمان کامل می‌کند. از این روست که «قاضی عیاض» بر خواندن و مقابله حرف به حرف پافشاری می‌کند و سپس می‌گوید: «و فریفته اعتماد بر کتابت فرد ثقه و مورد اطمینان نشود.» یعنی کاتب قابل اعتماد و با حسن نیت نیز ممکن است دچار اشتباه و خطا شود هرچند سخت از آن پرهیز داشته باشد و در پایان کتاب از خدای خواستار عاقبت به خیری شود<sup>۴</sup>، ناخواسته دچار تحریف و لغزش می‌گردد. بنابراین، طبیعت کاتب هرگونه باشد و منبع استنساخ هرچه باشد، باز باید احتیاط کرد. همچنین باید درباره تاریخ کتابت نسخه‌ای که از آن استنساخ می‌شود - در صورتی که داشته باشد<sup>۵</sup> - تحقیق کرد و

۱. بررسی تاریخ متون هنگامی زاده شد که عالمان متوجه شدند آن متون کهنی را که می‌خوانند، دقیقاً همانهایی نیستند که مؤلفانشان نوشته‌اند. این دانش به دست لاکمان و رقیبانش زاده شد و او اصول آن را در مورد انجیل و سروده‌های لوکرس - به ویژه کتاب «درباره طبیعت» او - به کار بست. آلمان به سبب وجود دانشگاه‌های متعدد و جذب دانشمندان که نتیجه سیاست عدم تمرکز بود، پیشرو فقه اللغه در قرن نوزدهم است.  
۲. الالماع، قاضی عیاض، ص ۱۵۹.

3. Alphonse Dain: Les Manuscrits. P. 41. ed Le Bells Lettre. 1975.

۳. اشاره به پدیده رایجی در اروپای قرون وسطی است که راهبان با دقت و اخلاص و برای کسب ثواب و بخشودن گناهان خود، استنساخ می‌کردند.  
۵. بسیاری از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های جهان، تاریخ کتابت ندارند. یکی از وظایف نسخه‌شناسی تعیین تاریخ آنها به شکل علمی و تهیه فهرستهایی از نسخه‌هایی است که از راه علمی تاریخ کتابت آنها مشخص شده است - کاری که همچنان نسخه‌های خطی عربی ما بدان نیازمند است.

عنصر اساسی در تحقیق علمی به شمار می‌رود. گردآورنده نسخه‌های خطی (نه محقق و ناقد متن) فرد با صلاحیتی است که با حمایت سازمان، مرکز یا مجمعی که امکانات لازم را فراهم می‌کند، بدین کار دست می‌یازد.

## ۲- کتابت و کاتبان

دومین عنصر از عناصر نسخه‌شناسی که در این مقال نقش آن را در تحقیق بررسی می‌کنم. مسأله کتابت و اثر کاتبان بر نسخه‌های خطی عربی است. دست به دست شدن نسخه‌های خطی و کتابت آنها طی قرون، در مواردی عامل بسیاری از حذف و اضافه‌ها و تغییر و تبدیل متون و در مواردی باعث دگرگونی کامل آنها شده است. لذا بررسی و تعیین تاریخ کتابت متن، گام اساسی و حرکتی ناگزیر در نقد متون است.<sup>۱</sup> این مطلب را از خلال نقل بخشی از کتاب «اللماع الی معرفة اصول الروایة و تقييد السماع» قاضی عیاض پی خواهیم گرفت. مؤلف درباره کتابت می‌گوید:

«باید نسخه‌اش را حرف به حرف با متن اصلی مقابله کند تا از مطابقت و عدم آن مطمئن گردد و بدون مقابله، فریفته اعتماد بر کتابت شخصی ثقه و دانا نشود. حتی به کتابت شخص خود، مادامی که آن را مقابله و تصحیح نکرده است، اعتماد نکند، زیرا فکر، فرآر است و دل، فراموش می‌کند، دیده خطا می‌کند و قلم سرپیچی می‌نماید.»<sup>۲</sup>

اگر «مقابله» در متن فوق، تنها مسأله اساسی باشد، می‌توان نکات مهم دیگری درباره کتابت و کاتبان استنباط کرد. مقابله حرف به حرف آن گونه که مؤلف از ما می‌خواهد، گویای آن است که «معاینه» و به چشم دیدن به اضافه «مشافه» - که شیخ املا می‌کرده و دانشجویان می‌نوشته‌اند و یا «قاری» می‌خواند و کاتب از زبان او می‌نوشته است - شیوه‌های رایجی در کتابت عربی بوده است. تأکید مؤلف بر خواندن حرف به حرف برای رسیدن به حقیقت و پرهیز از خطاست. یکی از زبان‌شناسان، به نام دی روسو (Desrousseau) در تحلیل عمل کتابت، آن را به چهار بخش متمایز که همزمان اتفاق می‌افتند و کاتب در آنها دچار خطا می‌شود،

از صحت آن مطمئن شد و کاتب نباید فریب تاریخهای مکتوب بر نسخه های خطی را بخورد، چرا که بسیاری از نسخه های خطی که تاریخی کهن بر آنها نوشته شده است، در حقیقت بسیار پس از آن تاریخ استنساخ شده اند. در چنین صورتی بحث از عناصر خط شناختی و نسخه شناختی آن متن مانند نوع خط و کاغذ ضروری است.

گاهی قدمت کاغذ نیز ضرورتاً دلیل کهن بودن نسخه نیست؛ «یاقوت حموی» نقل می کند که «ابن البواب» سرپرست کتابخانه «بهاء الدوله» در شیراز شد. روزی تصادفاً در میان کتابهایی که در گوشه ای انباشته شده بودند، به کتابی با جلدی مشکی برخورد که معلوم شد یکی از اجزای سی گانه قرآن به خط «ابن مقله» است. این نکته او را شگفت زده کرد و به دنبال دیگر اجزای آن، کتابخانه را جستجو کرد و موفق شد بیست و هشت جزء دیگر را بیابد، لیکن توانست سی امین جزء را پیدا کند. خبر به بهاء الدوله رسید و او دستور داد کتاب را کامل کنند و آن جزء را بنویسند و به «ابن البواب» وعده داد در صورتی که این جزء را بگونه ای از کار درآورد که تمیز آن از دیگر اجزا مقدور نباشد، به او جامه خلعتی و یکصد دینار جایزه خواهد داد.

ابن البواب پذیرفت و با آب طلای کهنه و کاغذی شبیه کاغذ دیگر اجزا، آن جزء را نوشت و سپس با جلد کهنه کتابی دیگر آن را جلد کرد. پس از یک سال که بهاء الدوله از پایان کار خبردار شد، دستور داد آن اجزا را نزدش آوردند و او با دقت در میان آنها به جستجو پرداخت و نتوانست نسخه ای را که بتازگی نوشته شده بود بشناسد. لذا دستور داد همه اجزا را به عنوان خط «ابن مقله» نگهداری کنند.<sup>۱</sup>

همچنین یاقوت نقل می کند که خطاطی در قرن هفتم هجری صفحه ای از خط «ابن البواب» را به چهل درهم خرید و از آن بر صفحه ای کهنه تقلید و استنساخ کرد و آن را به کتابفروش فروخت و او نیز آن را به عنوان خط «ابن البواب» به شصت درهم فروخت.<sup>۲</sup>

همانگونه که در دو مثال بالا دیدیم بسیاری از کاتبان، برای اثبات مهارت و توانایی خود دقیقاً از نسخه ای که از

روی آن کتابت می کنند تقلید می کنند، تا آنجا که امکان تمیز میان آنها از بین می رود. این مسأله از جمله عواملی است که «الیوسی» را بر آن داشته تا در «ملزمه» بیست و چهارم از کتاب قانون بگوید: «چقدر مردم نیازمند نظارت و حسبه بر کار کاتبان هستند!»<sup>۳</sup>

قاضی عیاض آنگاه می گوید: «حتی به کتابت شخص خود، مادامی که آن را مقابله و تصحیح نکرده است نباید اعتماد کند. زیرا فکر، فرآر است و دلی، فراموش می کند، دیده خطا می کند و قلم سرپیچی می نماید.»

از این جملات می فهمیم که طبیعت کاتب هر چه باشد، او تحت تأثیر روحیه، ذوق شخصی و شخصیت خود می نویسد و نتیجتاً متن نوشته شده نیز از این حالات اثر می پذیرد. زیرا کتابت و نقل متون قبل از هر چیز اساساً عملی انسانی است و ما باید نقش این خصوصیت را هنگام بررسی میراث عربی خودمان، مدنظر داشته باشیم. فرار فکر، فراموشی دل، کندی دیده و سرپیچی قلم، پدیده هایی انسانی اند که کاتب را متأثر می کنند و او ناخودآگاه نوشته را تغییر می دهد و تحریف می کند.

بررسی نسخه شناختی نسخه های مختلف یک متن، پژوهشگر را یاری می کند تا اسباب و عوامل لغزش و خطای کاتب را کشف کند؛ البته نسخه هایی می توانند چنین کمکی به پژوهشگر کنند که خود دربند تصحیح و اصلاح نیفتاده باشند و همچنان خطاها را با خود حفظ کرده باشند، تا مورخ و ناقد متون بتواند از طریق آنها به سرچشمه خطاها برسد.

از جمله خطاهای محققان متون عربی، اعتمادشان به

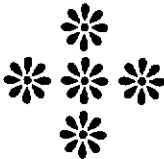
۱. از این ماجرا می فهمیم که خط «ابن البواب» نزدیک به خط «ابن مقله» و تقلید شدنی بوده است. اما «ابن البواب» به خلعتی و جایزه تعیین شده دست نیافت، لیکن خواسته اش که استفاده از کاغذهای چینی موجود در کتابخانه بود، برآورده شد: ارشاد الأرب، ج ۶ ص ۳۴ به نقل از «الکتاب العربی» نوشته یوهانسر پیدرسی، ص ۸۸ چاپ انگلیسی و صص ۱۱۳ و ۱۱۴ ترجمه عربی آن.

۲. منبع پیشین، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۳. «القانون»، ابوعلی الحسن الیوسی، ملزمه بیست و چهارم ص ۴ (چاپ سنگی).

بنابراین تشکیل مؤسسه‌ای برای بررسی و تدریس نسخه‌شناسی یا «کودیکولوژی» (Codicology) و پرورش متخصصان در این علم برای پرداختن به بزرگترین میراث شناخته شده بشری، نخستین و ضروری‌ترین کار در جهان عرب است.

کارهای علمی و تکنیک‌هایی که نسخه‌شناسان در مورد نسخه‌های خطی اعمال خواهند کرد، فواید بسیاری برای محققان دربر خواهد داشت و چهره متفاوتی از متونی که تاکنون مورد اعتماد بوده‌اند، فراروی ما خواهد گذاشت که نتایج و احکام جدیدی به بار خواهد آورد.



نسخه مصحح و نامیدن آن به «نسخه جید» است. مفهوم «نسخه جید» در قاموس فقه اللغة معنی ندارد و اگر مجاز به استفاده از این تعبیر باشیم، نسخه‌ای جید خواهد بود که این خطاها را همچنان حفظ کرده باشد نه آنکه تصحیح شده باشد. نسخه تصحیح شده، مورخ متون را گمراه می‌کند و گاه تا ابد اندیشه دستیابی به نسخه‌ای که دیگر نسخه‌ها از آن استنساخ شده‌اند، را به گور می‌سپارد. مشکلات کتابت و کاتبان به دیرینگی این پیشه و میراث است. متقدمان از همان آغاز حرکت تألیف، متوجه خطرات آن شدند و در حد امکانات خود به مقابله با آنها برخاستند که نمونه‌های آن، وجود اجازه‌های کتابت روی نسخه‌های خطی در کنار اجازه‌های روایت و سماع است؛ همچنین وجود عبارتهایی در وقفیات کتابها که کتابت آن را به دلیل احتیاطی که متقدمان در قبال کاتبان داشتند منع می‌ساخت. همین احتیاط موجب پدیده استطراد در میراث عربی ماست؛ از آنجا که حواشی کتاب در معرض حذف و تصرف کاتبان بوده و گاه افزودن آنها به متن توسط کاتبان مایه آشفته‌گی مطلب می‌شده است، نویسندگان قدیم همه مطالب خود را وارد متن می‌کردند و از پانویسی پرهیز داشتند. لذا می‌بینیم که نسخه‌های خطی سرشار از این استطرادهاست.<sup>۱</sup>

نقش کتابت در تغییر و تحریف متون عربی پیش از آن است که بتوان برشمرد. بحثهای نظری در این زمینه نیز راه به جایی نمی‌برد و محقق، گذرا نمی‌تواند این مشکل را حل کند. تنها نسخه‌شناسی که از همه عناصر این دانش باخبر است و با نسخه‌ها دست و پنجه نرم کرده است از عهده حل این مشکل برمی‌آید؛ یعنی کسی که وسایل نوشتن، نوع کاغذ، انواع خط، تاریخ کتابت و مسائلی مانند آن را نیک می‌شناسد. همچنین تهیه لیستی از کاتبان متون عربی - مانند آنچه که در مورد کاتبان نسخه‌های یونانی و لاتینی صورت گرفته است -<sup>۲</sup> و حتی المقدور بحث از زندگی آنان و شیوه رفتارشان که امروزه به «جرح و تعدیل» معروف شده است، برای تأکید از درستی کتابت آنان لازم است.

۱. از اوایل قرن هشتم هجری، نویسندگان نیاز به حاشیه و پانویس را دریافتند، وزان پس هنگامی که مطلبی را استطراداً می‌افزودند آن را با کلماتی مانند «تنبیه»، «فائدة»، «تعلیق» و «حاشیه» مشخص می‌ساختند. نک «روشهای عالمان مسلمان در تحقیق علمی» نوشته فرانتس روزنتال، ۱۹۸۰، ص ۱۱۱.

۲. فوگل (Vogel) در سال ۱۹۰۱ م لیستی از کاتبان یونانی تهیه و درباره هر کاتب و نسخه‌هایی که کتابت کرده بود به تفصیل سخن گفت. همچنین برادلی (J.W. Bradley) لیستی از کاتبان لاتینی را در سال ۱۸۸۷ م تهیه کرد.